

فهرست امیلی

گردآورنده، مترجم و نویسنده: حرمت‌السادات رضوی‌نظری



زنان باید دوباره خشمگین شوند، زیرا زنان جوان به کارکردن پناه برده‌اند و گمان می‌کنند پیروز میدان شده‌اند.

^۱(جرماین گریپر، ۱۹۹۹)

در دهه هشتاد، دنیای غرب با موجی از محافظه‌کاری که تحت حمایت مارگارت تاچر و رونالد ریگان هدایت می‌شد، روبرو گشت و جریان فمینیسم خاموش شد، هرچند در سال ۱۹۸۱، زنان گرینهام، در اعتراض به قرارگرفتن موشک‌های کروز در خاک بریتانیا، دورتادور حصار پیرامونی نیروی هوایی ایالات متحده در میدان گرینهام اردو زدند تا یادآور معتبری بر این موضوع باشند که هنوز جنبشی در بیرون وجود دارد. در آن زمان، از دنیای پسافمینیسم یا موج سوم حرف بسیار بود، از جمله اینکه زنان به حقوق برابر دست یافته‌اند و دیگر نیازی به مبارزه و جنبش برای تغییر نیست. رسانه‌ها آنچنان به ریشخند و تمسخر فمینیست‌ها پرداختند و کاریکاتورهای آن‌ها را کشیدند که باعث شد بسیاری از زنان از جنبش فاصله بگیرند. با ظهور نویسندگان جوانی مانند نائومی وولف^۲، کیتی رویفه^۳ و سوزان فالودی^۴ در اوایل دهه ۹۰، به‌عنوان نمایندگان نسل جدید فمینیست‌ها، بار دیگر مسئله

^۱ فمینیسم؛ سوزان اوزبورن: اسکندری، ص. ۳۷/ Germaine Greer

^۲ فمینیسم؛ سوزان اوزبورن: اسکندری، ص. ۳۵/ Naomi Wolf

^۳ فمینیسم؛ سوزان اوزبورن: اسکندری، ص. ۳۵/ Katie Roiphe

^۴ فمینیسم؛ سوزان اوزبورن: اسکندری، ص. ۳۵/ Susan Faludi

زنان موسوم به موج سوم مطرح شد که اهداف مشخصی را در اولویت قرار می‌داد. این اهداف عبارت بود از: واکنش و شیوه‌های پرداخت رسانه‌ها در جهت تضعیف جنبش زنان، آزار جنسی، تصاویر تنانه، فراگیری جنبش و نیابت سیاسی (سوزان اوزبورن، ۲۰۰۱^۵).

در این مقاله و در راستای موضوع نیابت سیاسی، به‌طور مشخص به تاریخچه، تکوین و نقدکمیت‌های که آن را فهرست امیلی نامیدند پرداخته می‌شود.

تاریخچه و تکوین سازمان

این کمیته در سال ۱۹۸۵ در آمریکا تأسیس شد، زمانی که ۲۵ زن در خانهٔ الن مالکوم^۶ گرد هم آمدند. از اعضای مؤسس این گروه می‌توان به باربارا باکسر^۷، آن ریچاردز^۸، آن وکسلر^۹ و دونا شلالا^{۱۰} اشاره کرد. عنوان آن (فهرست امیلی) از سر حروف اصطلاح عامیانهٔ «early money is like yeast» اقتباس شده است؛ یعنی پول اولیه مانند خمیرمایه است.

در سال ۱۹۸۶، کمک‌های مالی اولیه از سوی نهاد امیلی به انتخاب باربارا میالسکی^{۱۱} از ایالت مریلند کمک کرد. او اولین زن دموکرات بود که به‌طور مستقل به مجلس سنای ایالات متحده انتخاب شد؛ یعنی بدون انتصاب یا جایگزینی همسر متوفی. انتخاب او نقطهٔ عطفی در تاریخ حضور زنان در سیاست آمریکا به شمار می‌آمد.

هدف اصلی گروه امیلی، ایجاد یک شبکه از اهداکنندگان برای جمع‌آوری پول به نفع نامزدهای دموکراتی بود که از حقوق سقط جنین حمایت می‌کردند. هر فرد برای عضویت رسمی می‌بایست ۱۰۰ دلار به این سازمان می‌پرداخت و متعهد می‌شد که سالانه، حداقل ۱۰۰ دلار به دو نامزد سنا، مجلس نمایندگان یا فرمانداری اهدا خواهد کرد. اعضا پول خود را مستقیماً به فهرست امیلی می‌دادند و این سازمان، چک‌های اهداکنندگان را جمع‌آوری و آن‌ها را به نامزدهای مورد حمایت ارسال می‌کرد. این روش به نامزدها کمک می‌کرد تا در مراحل اولیهٔ کمپین‌های انتخاباتی خود، حمایت مالی مناسبی دریافت کنند، کاری که هم‌اکنون نیز انجام می‌شود.

الن مالکوم، بنیان‌گذار امیلی، در کتاب خود با عنوان وقتی زنان پیروز می‌شوند^{۱۲}: فهرست امیلی و ظهور زنان در سیاست آمریکا، بیان می‌کند که «ایجاد سیاست‌های پیشرو و ترویج آن‌ها می‌تواند بسیار ارزشمند باشد، اما این

^۵ Susan Osborne ۱۳۸۹. اسکندری. سوزان اوزبورن: فیمینیسم؛ سوزان اوزبورن: اسکندری.

^۶ Ellen Malcolm

^۷ Barbara Boxer

^۸ Ann Richards

^۹ Anne Wexler

^{۱۰} Dona Shalala

^{۱۱} Barbara Mikulski

^{۱۲} Malcolm, Ellen (2016). When women win; EMILY's list and the rise of women in American politics. Unger, Craig. Boston. P. 39

سیاست‌ها هرگز اجرا نمی‌شوند، مگر اینکه تعداد قابل توجهی از سیاستمداران حامی این سیاست‌ها انتخاب شوند». این سازمان به‌طور خاص بر زنانی تمرکز داشت که از حقوق سقط جنین حمایت می‌کردند، زیرا اعضای آن معتقد بودند که «زنان نمی‌توانند برابر باشند مگر اینکه کنترل بدن خود را در دست داشته باشند».

آن‌ها بر جمع‌آوری کمک‌های مالی اولیه برای زنان تمرکز داشتند، زیرا زنان از حزب دموکرات کمک مالی دریافت نمی‌کردند و به همین دلیل، حتی با وجود صلاحیت، معمولاً در انتخابات پیروز نمی‌شدند. اعضای این سازمان معتقد بودند که کمک‌های مالی اولیه می‌تواند به متقاعد کردن مردم در مورد اعتبار و کمپین‌های انتخاباتی زنان کمک کند و در نتیجه، موجب جذب کمک‌های مالی بیشتر در ادامه مسیر شود. این روش نه تنها به زنان نامزد کمک می‌کرد تا منابع مالی لازم را برای رقابت در انتخابات به دست آورند، بلکه موجب افزایش اعتماد مردم به آنان در جهت کسب توانایی و بالا بردن احتمال موفقیتشان می‌شد، تا آنجا که در سال ۲۰۰۱، حضور بیش از ۶۵ هزار نفر اهداکننده، مایه مباهات زنان نامزد در آن دوره شده بود.

این سازمان بزرگ‌ترین نهادی است که حق دارد زنان دموکرات حامی حق انتخاب سقط جنین را به سمت‌های دولتی برگزینند، چنان‌که با تلاش این سازمان، از زمان تأسیسش تاکنون، توفیقاتی از این دست حاصل شده: انتخاب اولین زن به عنوان معاون رئیس جمهور، ۱۷۵ نفر از زنان در مجلس نمایندگان، ۲۶ نفر در مجلس سنا، ۲۰ نفر فرماندار و بیش از ۱۵۰۰ نفر در سمت‌های دولتی. در دور انتخاباتی ۲۰۰۶ هم سازمان مذکور حدود ۴۶ میلیون دلار برای نامزدها جمع‌آوری کرده بود و به همین سبب نیز بزرگ‌ترین کمیته اقدام سیاسی در کشور توسط «political money line» شناخته شد. امیلی در این سال از ۳۱ نامزد حمایت کرد که از این تعداد، هشت نفر موفق به کسب آرا شدند و در سال ۲۰۰۸ نیز این سازمان از ۲۲ نامزد مجلس نمایندگان، دو نامزد سنا و سه نامزد فرمانداری پشتیبانی کرد.

معیارهای سازمان

معیارهای سازمان فهرست امیلی برای انتخاب نامزدها شامل این موارد است: توصیه‌های کارکنان، قابلیت پیروزی، جمعیت‌شناسی و تاریخچه منطقه، تجزیه و تحلیل وضعیت نمایندگان در مقابل رقبای بالقوه، تجزیه و تحلیل تحصیلات نامزدها، تجربه سیاسی آن‌ها و موفقیت‌های اثبات شده در جمع‌آوری کمک‌های مالی و داده‌های نظرسنجی برای نشان دادن شناخت و حمایت‌های مردمی از نامزدان.

این سازمان در سال ۱۹۹۵، برنامه‌ای تحت عنوان «women vote!» را آغاز کرد تا زنان را به مشارکت بیشتر در انتخابات تشویق کند. این برنامه بازوی مالی مستقل مخارج فهرست امیلی است که مستقیماً با رأی‌دهندگان ارتباط برقرار می‌کند. علاوه بر تشویق به مشارکت بیشتر، هدف این برنامه جلب توجه رأی‌دهندگان به مسائل و نامزدهایی است که به‌ویژه برای حقوق زنان اهمیت دارند. سازمان فهرست امیلی نقش کلیدی در آموزش و توانمندسازی زنان برای ورودشان به عرصه سیاست و افزایش مشارکت آن‌ها در انتخابات دارد. همچنین، کمیته

فهرست امیلی توانسته است سازمانی مشابه خود را در بریتانیا (۱۹۹۳) ایجاد کند، به‌طوری‌که این سازمان توانسته بود در انتخابات ۱۹۹۷ مجلس، سیلی از زنان نماینده حزب کارگر را به میدان آورد. به تبع همین توفیقات، در استرالیا (۱۹۹۴) نیز جوان کرنر^{۱۳} فهرست امیلی استرالیا را تأسیس کرد.

مزایای کارکنان سازمان

۱. مرخصی با حقوق سخاوتمندانه؛ زیرا آن‌ها معتقد بودند که با تلاش زیاد شایستگی برقرار کردن تعادل مناسب بین کار و زندگی خود را دارند. حق مرخصی با حقوق برای تعطیلات، مرخصی شخصی، مرخصی استعلاجی و همچنین مرخصی با حقوق برای بیشتر تعطیلات فدرال، روز آزادی بردگان، هفته بین کریسمس و سال نو، و نیز تعطیلات مذهبی مورد درخواست از مزایای مهم سازمان بوده‌است.
۲. مرخصی والدین با حقوق به‌طوری‌که تمام کارکنان واجد شرایط دریافت ۱۲ هفته مرخصی با حقوق برای تولد یا فرزندخواندگی هستند.
۳. مزایای پیش از مالیات (پزشکی، دندانپزشکی، بینایی، FSA و حمل‌ونقل)؛ دسترسی به برنامه‌های بیمه برای کارکنان و همسران یا وابستگان واجد شرایط، و مزایای قبل از مالیات که متناسب با نیازهای کارکنان است؛ طرح‌های بیمه پزشکی شامل مراقبت‌های تأیید جنسیت، مراقبت‌های قبل و بعد از زایمان، خدمات سلامت روان و درمان سوءمصرف مواد است.
۴. بیمه از کار افتادگی کوتاه‌مدت و بلندمدت، بیمه عمر و AD&D (یا بیمه مکمل در صورت فوت ناشی از حادثه یا از دست دادن عضو) که توسط کارفرما پرداخت می‌شود؛ همچنین گزینه خرید بیمه عمر به‌شکل داوطلبانه و قابل انتقال به خود و وابستگان وجود دارد.
۵. طرح بازنشستگی Safe Harbor با تطبیق کارفرما (وقتی کارمندی مبلغی را به طرح بازنشستگی یا حساب پس‌انداز خاص واریز می‌کند، کارفرما آن مبلغ را تا سقف مشخصی مطابقت می‌دهد و معادل آن را به حساب آن فرد واریز می‌کند)، به علاوه دسترسی به منابع مالی برای کمک به برنامه‌ریزی آینده.
۶. کمک هزینه ماهانه برای تلفن همراه.
۷. رویکرد ضدنژادپرستی، و قائل بودن به تنوع، برابری و فراگیری؛ بنا به نظر حامیان این نهاد، تعهد سازمان به فرآیند استخدام فراگیر و عادلانه است. امیلی متعهد به پیروی از فمینیسم تقاطعی است که با نژادپرستی سیستماتیک مبارزه می‌کند تا با هم به سوی جامعه‌ای عادلانه و منصفانه حرکت کنند. انتظاری که از رهبران‌شان می‌رود این است که در استخدام کارکنان و مشاوران، سرمایه‌گذاری منابع، برگزاری آموزش‌های کاندیداها و جذب نامزدها، فرایند فراگیری را در اولویت قرار دهند. از متقاضیان خواسته

¹³ Joan Kirner

می‌شود تا دربارهٔ تعهد خود به تنوع، برابری و فراگیری تأمل کنند و چگونگی پایبندی به این تعهد را در مورد تنوع کاندیدها، اعضا، شرکا و کارکنان سازمان بیان کنند.

در واقع، از نگاه طرفداران این نهاد، امیلی کارفرمای فرصت برابر است که به محیط کاری چندفرهنگی و متنوع ارج می‌نهد. متقاضیان را با پیشینه‌های متنوع و مختلف دعوت می‌کند و آنها را به ارائهٔ درخواست استخدام تشویق می‌کند. این نهاد هرگونه تبعیض در زمینهٔ استخدام، ترفیع، جبران خدمات، شرایط و امتیازات استخدام بر اساس جنسیت، ناتوانی، نژاد، سن، ملیت، رنگ، اعتقاد، گرایش جنسی، جنسیت (از جمله وضعیت تأهل و والدینی)، هویت و ابراز جنسیتی، دین، وضعیت اقتصادی، هویت قومی، وضعیت کهنه‌سربازی یا هر مبنای دیگری را که توسط قوانین مربوطه منع شده است ممنوع می‌کند.

با وجود تمام موارد ذکرشده، عملکرد این نهاد همواره مورد انتقاد بسیاری از افراد نیز بوده است. منتقدان معتقدند که امیلی باید تعریف خود را از «مسائل زنان» گسترش دهد تا موضوعات اقتصادی مانند افزایش حداقل دستمزد و توسعهٔ تأمین اجتماعی را هم شامل شود. برخی دیگر گفته‌اند که این گروه باید منابع خود را بهتر مدیریت کند تا از ورود به رقابت‌هایی که در آنها یک دموکرات مرفقی فعلی حضور دارد خودداری کرده و به جای آن، بر رقابت‌های دیگری که موثرترند تمرکز کند. مارسی کپتر^{۱۴} نمایندهٔ دموکرات با سابقه در مجلس نمایندگان ایالات متحده (از ایالت اوهایو) از نهاد امیلی به دلیل تمرکز بیش از حد بر حقوق سقط جنین، به جای سایر مسائل همچون بهبود شرایط اقتصادی، حمایت از کارگران، افزایش دستمزدها و حفظ برنامه‌های تأمین اجتماعی که موجب پیشرفت زنان می‌شوند، انتقاد کرده است. همچنین، این نهاد در مسابقهٔ باز کنگره در هاوایی از کاندیدایی حمایت کرد که علیه قانونی شدن هم‌جنس‌گرایان و افزایش حداقل دستمزد رأی داده بود و در دوران خدمتش در مجلس هاوایی، گروه‌های مسیحی انجیلی را جذب کرده بود. یکی دیگر از کارهای مورد انتقاد این نهاد، حمایتش از آلیسون شوارتز^{۱۵} بود که رهبری گروهی از دموکرات‌های میانه‌رو را که خواهان کاهش خدمات تأمین اجتماعی بودند برعهده داشت.

نیک هافمن^{۱۶}، به عنوان یک «وکیل شهری»، در مقاله‌ای که در سال ۲۰۱۰ در مورد نهاد امیلی نوشته بود، از مقدار پول دریافت‌شده توسط این نهاد، نحوهٔ تخصیص این پول‌ها به عنوان یک کمیتهٔ اقدام سیاسی و تعاملات آن با کمیسیون انتخابات فدرال انتقاد کرد و امیلی را متهم کرد که با مباحثهٔ بیش از حد با این کمیسیون، مجوز گرفته که هیچ محدودیتی برای میزان کمک‌های مالی به کارزارهای انتخاباتی وجود نداشته باشد. درواقع، این نهاد برای موفقیت و به دست آوردن کرسی‌های نمایندگی و مراتب بالاتر قدرت، مانند معاونت ریاست جمهوری و تصدی پست ریاست جمهوری، از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند، چنان‌که در انتخابات ۲۰۲۴ ریاست جمهوری هم

¹⁴ Marcy Kaptur

¹⁵ Allyson Schwartz

¹⁶ Nick Hoffman, (2010), EMILYs List V. FEC. The Urban Lawyer. 42 (1): 210-212

از کامالا هریس^{۱۷} حمایت کرد، کسی که موضع‌گیری‌های ضدانسانی علیه مردم فلسطین و لبنان، اعم از کودکان و زنان و مردان، داشت، جنایات اسرائیل را تأیید و پشتیبانی می‌کرد و برنامه و هدفی غیر از آنچه دولت بایدن^{۱۸} انجام داده بود نداشت؛ و به این ترتیب، خط مشی سیاسی محافظه‌کارانه خود را در جهت حفظ نظام سرمایه‌داری و ادامه ظلم و ستم نهادینه‌شده در جهان کنونی و در تضاد با اهداف اولیه تشکیل این نهاد به‌وضوح نشان داد.

بنابراین، با بررسی عملکرد این نهاد و نهادهای مشابه، به نکته مهمی که سیلويا فدریچی^{۱۹} در کتاب *انقلاب در نقطه صفر* به آن اشاره می‌کند، می‌رسیم و درک می‌کنیم که اگر گروه‌ها و سازمان‌های زنان از چارچوب و تعریف درستی از شیوه‌ها و اهداف مبارزه برای رفع تبعیض و حصول حقوق انسانی بهره‌مند نباشند، با صرف حضور در مناسب دولتی و اجرایی و اصلاح بعضی از قوانین، نه تنها قادر به تغییرات بنیادی نخواهند شد، بلکه به هم‌دستان علیه خود نیز تبدیل خواهند شد. فدریچی می‌گوید که فمینیست‌های دهه ۱۹۹۰ با لپ‌تاپ‌های خود دور دنیا می‌چرخند، لابی می‌کنند و رسانه‌ها را راضی نگه می‌دارند و ساعت‌ها تلاش می‌کنند تا چند کلمه را در اسناد رسمی تغییر دهند، چیزی که مسلماً با جنبش‌های توده‌ای فاصله زیادی دارد.

منابع

۱. فمینیسم، سوزان اوزبورن، ترجمه: مریم اسکندری، انتشارات رسش، سال ۱۳۸۹
۲. انقلاب در نقطه صفر، سیلويا فدریچی، ترجمه: سروناز احمدی، انتشارات افکار، سال ۱۴۰۲
۳. وبسایت: <https://emilyslist.org>

¹⁷ Kamala Harris

¹⁸ Joe Biden

¹⁹ Silvia Federici/۲۰۷، ص. ۱۴۰۰، سروناز احمدی، ۲۰۲۰